

تک‌فرزندی و آسیب‌های آن بر والدین

حسنیه صالحان*

اشاره

تک‌فرزندی به عنوان یکی از مسائل آسیب‌زای دهه‌های اخیر، رشد فزاینده‌ای داشته است تا آنجا که بیشتر خانواده‌های ایرانی به آن گرایش پیدا کرده‌اند. این مسئله، آسیبی است که در سه سطح قابل بررسی است؛ آسیب‌هایی که از نظر عاطفی و روانی به فرزند وارد می‌شود، آسیب‌هایی که برای والدین به وجود می‌آید و آسیب‌هایی که در جامعه از خود به جای می‌گذارد.^۱ عوامل بسیاری در ایجاد این آسیب نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به سختی کشیدن در برخورد با فرزند اول، ایجاد شرایط جدید که منجر به عدم فرزندآوری مجدد می‌شود و مشکلاتی همچون مشکل اقتصادی، تربیتی و امکانات رفاهی اشاره کرد. ضرورت پرداختن به این مسئله، زمانی حساس می‌شود که میزان رشد تفکر تک‌فرزندی در زنگ خطر را در جوامع اسلامی و به‌ویژه در کشور ما که از یک سو پایگاه تشیع در جهان و از سوی دیگر طلایه‌دار استقلال، آزادی و ظلم‌ستیزی در جهان است، به صدا درآورده است.^۲ در این نوشتار تلاش شده است آسیب‌های این معضل اجتماعی بیان و بررسی شود.

محروم شدن از رحمت الهی

فرزندآوری در اسلام، امری پسندیده است که نسبت به آن تأکید و تشویق بسیاری شده است. در روایت آمده است که فردی در نامه‌ای به امام کاظم علیه السلام نوشت: «من ۵ سال است که از خواستن

* دانش‌آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء علیها السلام و کارشناس ارشد.

1. <https://www.farsnews.ir/news/14010223000028/>

۲. مرضیه هروی، اسماعیل چراغانی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد دینی و روانشناختی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌هایی اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

فرزند خودداری می‌کنم؛ چرا همسرم از این کار ناراضی است و می‌گوید به خاطر عدم توانایی مالی، تربیت و بزرگ کردن فرزند برایش دشوار است. حال می‌خواهم بدانم نظر شما در این زمینه چیست؟». حضرت در پاسخ فرمود: «أُطْلِبُ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ؛^۱ فرزند بخواه که خداوند روزی آنان را می‌دهد». امام سجاد علیه السلام نیز در دعایی از خدا می‌خواهد نسل ایشان را افزایش دهد: «اللَّهُمَّ ... وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي؛^۲ خدایا! تبارم را به آنان افزونی ده».

یکی از برکات کثرت اولاد، نزول رحمت الهی است؛ رحمتی که نه تنها در دنیا، بلکه پس از مرگ نیز می‌تواند اسباب خیر و برکت برای والدین باشد. خدا در قرآن از نعمت خود بر ایوب علیه السلام سخن گفته است و پس از آزمون سخت الهی که از آن سربلند بیرون آمد، فرزندان از دست رفته‌اش را به او بازگرداند و تعداد آن‌ها را دو برابر کرد: «فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرَى لِّلْعَابِدِينَ؛^۳ ما دعای او را مستجاب کردیم و ناراحتی‌هایی را که داشت، برطرف ساختیم و خاندانش را به او بازگرداندیم و همانندشان را بر آن‌ها افزودیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت‌کنندگان باشد».

در تفسیر جمله «آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»، معروف میان مفسرین این است که خداوند، فرزندان او را به حیات نخست بازگردانید و افزون بر آن، فرزندان دیگری نیز به او داد. در بعضی از روایات نیز آمده است که خداوند هم فرزندان را که در این ماجرا از بین رفته بودند، به او مرحمت کرد و هم فرزندان را که از قبل از بین رفته بودند، به او برگرداند.^۴ از آنجا که در این آیه افزون شدن تعداد فرزندان نشانه رحمت خداوند دانسته شده است، می‌توان عموم این حکم در همه شرایط و زمان‌ها را استنباط کرد. بنابراین کثرت فرزندان، نشانه لطف و رحمت الهی بر بندگان است.^۵ از دیگر آثار تعدد اولاد نیز این است که اگر فرزند صالح باشد، پس از مرگ والدین می‌تواند ادامه‌دهنده راه آنان باشد و آن‌ها را در ثواب اعمال صالح خود شریک کند؛

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳.

۲. امام علی بن الحسین زین‌العابدین علیه السلام، الصحيفة السجادية، ص ۱۲۱.

۳. انبیاء: ۸۴؛ ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۱۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۸۱.

۵. مرضیه هروی، اسماعیل چراغانی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد دینی و روانشناختی، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳».

چنانکه امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «وَأَقِمَّ بِهِمْ أَوْدِي»^۱ یادم را به آنان زنده‌دار». در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

عیسی بن مریم علیه السلام از کنار قبری گذشت که صاحب آن قبر عذاب می‌شد. حضرت در سال آینده نیز از آنجا گذشت، اما صاحب قبر عذاب نمی‌شد. حضرت عرضه داشت: پروردگارا! من سال گذشته از کنار این قبر گذشتم، در حالی که صاحب آن عذاب می‌شد؛ اما امسال که از کنار آن گذشتم و صاحب آن عذاب نمی‌شد. علت آن چیست؟ خداوند به او وحی کرد: فرزند صالح او به سن بلوغ رسید و جاده‌ای را تعمیر کرد و یتیمی را پناه داد؛ از این رو به خاطر عملی که فرزندش انجام داد، این فرد آمرزیده شد. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مِيرَاثُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَلَدٌ يَعْبُدُهُ مِنْ بَعْدِهِ»^۲ میراث خداوند از بنده مؤمن خود، فرزندى است که پس از پدرش خدا را عبادت می‌کند».

خطر از میان رفتن نسل

میل به داشتن فرزند و تداوم نسل‌ها، یکی از انگیزه و اهداف مهمی است که همواره عامل مهم ازدواج و تشکیل خانواده بوده است. تشکیل خانواده، ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است و سعادت نسل‌ها به وضع خانوادگی بستگی دارد و سلامت امنیت فرزندان در گرو استحکام خانواده است.^۳ طبیعی است که استمرار نسل زمانی شکل می‌گیرد که انسان چند فرزند داشته باشد؛ زیرا ممکن است تک فرزند انسان بمیرد و نسل قطع شود. از همین روست که در گزاره‌های دینی به فرزندافزایی تأکید شده است؛^۴ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ أَلْوَلُودُ الْوَدُودِ الْعَفِيفَةِ»^۵ همانا بهترین زنان شما، زنانی هستند که بسیار بچه‌زا، مهربان و باعفت باشند». آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «أَتَى أَبَاهِي بِكُمُ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ»^۶ من در روز قیامت به شما، حتی به بچه‌های سقط‌شده شما مباحثات می‌کنم» و

۱. امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام، الصحيفة السجادية، ص ۱۲۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴.

۳. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۸.

۴. علیرضا انصاری، سبک زندگی خانواده از دیدگاه قرآن، ص ۱۵.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۶. همان، ص ۳۳۴.

نیز فرموده است: «مَا يُمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُرْزِقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛^۱ چه چیز مانع آن شده است که مؤمن (ازدواج کند) و اهل (و همسری) برای خود بگیرد؛ بلکه خداوند به او فرزندان روزی کند که زمین را با گفستن لاله‌الاله سنگین (و ارزشمندتر) کنند». عبدالله بن سنان می‌گوید امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی حضرت یوسف علیه السلام برادرش (بنیامین) را ملاقات کرد، به او فرمود: برادر بعد از من (و در فراق من) چگونه توانستی ازدواج کنی! بنیامین گفت: پدرم (یعقوب) مرا امر کرد که ازدواج کنم و فرمود: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ؛^۲ اگر می‌توانی فرزندان داشته باشی که در روی زمین تسبیح خدا بگویند، این کار را بکن».

زندگی دسته‌جمعی به افزایش فرزند نیاز دارد؛ زیرا این امر عامل رفع حواجی و عامل مهم قدرت انسانی جامعه است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»؛^۳ و به یاد آرید زمانی را که عده‌قلیلی بودید (و دشمنان تان بسیار) و خدا بر عده شما افزود و بنگرید عاقبت حال مفسدان چگونه بود». علامه طباطبایی رحمته الله در ذیل این آیه می‌فرماید:

این دو جمله در حقیقت موعظه و نصیحت درباره امتثال اوامر و نواهی قبلی است. در جمله اول مردم را به یاد یکی از نعمت‌های بزرگ خدا می‌اندازد و آن، مسئله ازدیاد نسل است. برای اینکه انسان بر خلاف سایر انواع حیوانات زندگی اش اجتماعی است؛ از این رو ناگزیر است که با کمک فکری و عملی یکدیگر حوائج خود را تأمین نمایند. پر واضح است که برای چنین موجودی کثرت افراد، نعمت بسیار بزرگی است؛ زیرا هر چه بر عدد افراد اجتماعش افزوده شود، نیروی اجتماعی اش بیشتر و فکر و اراده و عمل آن قوی‌تر می‌گردد. آری، هیچ وقت یک ملت چند هزار نفری نیروی جنگی و استقلال سیاسی و اقتصادی و قدرت علمی و ارادی و عملی ملت چندین میلیونی را ندارد.^۴

۱. محمد بن علی صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲. محد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹.

۳. اعراف: ۸۶، ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۸۹.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۸، ص ۲۳۸.

سست شدن پیوند خانواده

استحکام بنیان خانواده، به روابط میان والدین بستگی دارد و تعداد فرزندان روی این موضوع نیز تأثیرگذار است. وقتی والدین فرزندان بیشتری داشته باشند، با برنامه‌ریزی بهتر، وقت بیشتری را به خانواده و برطرف کردن نیازهای اعضاى آن اختصاص می‌دهند و این موضوع می‌تواند موجب پیوند محکم‌تر والدین و تلاش بیشتر آنان برای رفع نیازهای فرزندان‌شان شود و در نتیجه پیوند خانواده مستحکم‌تر و انسجام آن بیشتر می‌شود. یافته‌های تحقیقاتی و مشاهدات بالینی، حاکی از آن است که عدم حضور فرزند در محیط خانواده، یکی از عوامل ناپایداری در زندگی مشترک است.^۱ تک‌فرزندى از گستردگی خانواده‌ها می‌کاهد و ناخودآگاه روابط فامیلی را از بین می‌برد؛ زیرا فرزندانى که تنها بزرگ می‌شوند و خواهر و برادری ندارند، فرزندان آنان نیز صاحب عمو، عمه، خاله و دایی نخواهند بود و در نتیجه زندگى‌هاى گسترده به خانواده‌هاى کوچک تبدیل خواهد شد. این تغییر شکل الگوی خانواده، موجب از بین رفتن انسجام خانواده می‌شود.

فرزندسالاری

فرزندان خانواده‌هاى کم جمعیت به فرزندسالاری می‌رسند؛ زیرا امکانات خانواده بر فرزندان متمرکز می‌شود و پدر و مادر با حمایت و توجه بیشتری از آنان نگهداری می‌کنند. محوریت یافتن شادکامی فرزندان، هزینه کردن بیشتر امکانات خانواده برای خوشنودی خاطر فرزندان و در نتیجه کاهش بُعد نظارتی والدین، از ویژگی‌های فرزندسالاری در خانواده است. سیاست تک‌فرزندى در کشور چین موجب شده است که به یک کودک چینی که تنها نوه در خانواده است، بسیار توجه شود؛ از این‌رو بیشتر این کودکان، چاق و بدون توانمندی و اعتماد به نفس هستند و در نتیجه بیشتر در معرض بیماری و آسیب‌های رفتاری قرار دارند.^۲ ضمن اینکه این کودکان معمولاً حساس‌تر، زودرنج‌تر و پرتوقع‌تر از همسالان خود هستند و نمی‌توانند عواقب اشتباهات و مسئولیت عمل خود را بپذیرند. به همین دلیل چون دنیای واقعی کاملاً مطابق میل و خواسته آنان نیست، دچار سرخوردگی و ناسازگاری می‌شوند. در خانواده‌هاى تک‌فرزند، پدر و مادر از نظر عاطفی به شدت به فرزند وابسته می‌شوند؛ به طوری که احساس می‌کنند باید همه

۱. محمدحسین فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۱۴۳.

۲. فاطمه علیزاده، محمد مهدی کریمی‌نیا و مجتبی انصاری‌مقدم، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندى در جامعه با نگاهی به دستورات اسلامی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره چهارم، ص ۸۶-۷۶.

خواسته‌های کودک را برآورده کنند. برآورده کردن این خواسته‌ها در برخی موارد به اندازه‌ای است که والدین ناخواسته برای راضی کردن فرزند خود به او باج می‌دهند. این باج‌گیری در آینده کودک نیز تأثیرگذار است.^۱

افسردگی و اضطراب والدین

داشتن فرزند و نگاه به او می‌تواند موجب نشاط والدین و سلامت روانی آن‌ها شود. پژوهش‌ها نشان داده است که یکی از بزرگ‌ترین عوامل شادی‌آفرین برای والدین، اولین ملاقات آن‌ها با فرزندان سالم خویش پس از تولد بوده است.^۲ بر این اساس یکی از عوامل شادابی و نشاط افراد، پیوندهای اجتماعی است. از این رو صله رحم و ارتباط با خویشاوندان و تعامل با آن‌ها در آموزه‌های اسلامی مورد توجه خاص قرار گرفته است. ارتباط خویشاوندی با غیر از پدر و مادر در خانواده‌های تک‌فرزندی و کم‌جمعیت کمتر است و بسیاری از این فرزندان، عمو، دایی، خاله، عمه برادر و خواهر ندارد و بیشتر وقت خود را با رسانه‌ها را پر می‌کنند. بنابراین احتمال بیشتری می‌رود که هویت این فرزندان بر اساس آموزه‌های رسانه‌های استکباری شکل بگیرند،^۳ اما هنگامی که تعداد فرزندان بیشتر از یک فرزند باشد، پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خویش، همزمان آثار و برکات تلاش خود را در شور و نشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود مشاهده می‌کنند. تولد فرزندان در خانواده، احساس مفید و مؤثر بودن را برای والدین به ارمغان می‌آورد،^۴ در حالی که خانواده‌های تک‌فرزند همواره نگران هستند که اگر خدای ناکرده مشکلی برای این کودک به وجود بیاید، هیچ کاری از آن‌ها ساخته نیست. این والدین همواره زندگی پر استرسی دارند و از به وجود آمدن یک اتفاق، نگران هستند. والدین این فرزندان در زندگی خود خلأ بیشتری احساس می‌کنند، در حالی که اگر تعداد فرزندان دو یا بیشتر از آن باشد، وقتی یکی از

۱. مرضیه هروی، اسماعیل چراغاتی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد

دینی و روانشناختی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

2. <https://www.magiran.com/article/441206>

۳. فاطمه علیزاده، محمد مهدی کریمی نیا و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندی در جامعه با نگاهی

به دستورات اسلامی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره چهارم، ص ۸۶ - ۷۶.

۴. مرضیه هروی، اسماعیل چراغاتی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با

رویکرد دینی و روانشناختی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

فرزندان از خانواده دور می‌شود؛ فرزندان دیگر برای تسلاى خاطر والدین حضور دارند.^۱

عدم رفع نیازهاى سالمندی والدین

از دیگر امتیازهاى داشتن فرزند که در روایات و آیات قرآنى به آن توجه شده است، تحقق بخشیدن به امیدهاى والدین در دوران سالمندی‌شان است؛ زیرا والدین علاقمندند که فرزندان‌شان در هنگام پیری از آنان دستگیری نمایند. در خانواده‌هاى بی‌فرزند یا تک‌فرزند به طور معمول امید به زندگى در زن و شوهر چندان چشمگیر نیست یا هنگامى که والدین فرزندان خود را به گونه‌اى تربیت نکرده‌اند که در آینده یار و یاور آنان باشند نیز میزان امید آنان به زندگى چندان زیاد نیست؛^۲ چنانکه امام سجاد علیه السلام فرموده است: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَوَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ»^۳ از سعادت مرد این است که فرزندانى داشته باشد تا در مشکلات به یاری‌اش برخیزند». این در حالى است که در اغلب خانواده‌هاى تک‌فرزند، فرزندان دچار کمال‌گرایی مفرط، استقلال و ... هستند و این موضوع موجب می‌شود گاه به تنهایی در شهر یا کشور دیگر زندگى کنند. گاهى مدام در پی پیشرفت تحصیلى یا شغلى هستند و گاه به دلیل انزوا، با والدین ارتباط عاطفى برقرار نمی‌کنند. از این‌رو والدین نمی‌توانند در سنین کم‌توانی از حمایت‌هاى فرزندان برخوردار شوند، درحالى که در خانواده‌هاى پرجمعیت، امکان برطرف‌سازی نیازهاى والدین بسیار بیشتر از خانواده‌هاى تک‌فرزند است.^۴

فردگرایی در خانواده

در گذشته مصلحت‌هاى اجتماعى پررنگ‌تر دیده می‌شد و منفعت‌هاى فردى را در دامان آن پیگیری می‌کردند، اما امروزه منافع شخصى و شادکامى فردى، تمام مناسبات و فرایندهاى اجتماعى را تعیین می‌کند و این، همان هویت فردگرایی است که تفکر غالب خانواده‌هاى

۱. جواد شجاعى و بهجت یزدخواستى، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندى: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال»، زن در توسعه و سیاست، شماره چهارم، ص ۴۷۶ - ۴۴۷.

۲. مرضیه هروى، اسماعیل چراغاتی کوتیانی و محسن هراتى، «تحلیل آسیب‌هاى تک‌فرزندى برای والدین با رویکرد دینى و روانشناختى»، دو فصلنامه مطالعات اسلامى آسیب‌هاى اجتماعى، شماره اول، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینى، الکافى، ج ۶، ص ۳.

۴. فاطمه علیزاده، محمد مهدى کریمی نیا و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب‌شناسى تک‌فرزندى در جامعه»، مجله دستاوردهاى نوین در مطالعات علوم انسانى، شماره چهارم، ص ۸۶ - ۷۶.

تک‌فرزند را تشکیل می‌دهد. در نگاه فردگرایانه، زندگی فرد از آن خود اوست نه برای جامعه و نه برای خشنودی دیگران. بنابراین او می‌تواند آن‌گونه که می‌خواهد و می‌پسندد، رفتار کند. در این نگاه، عقل تنها ابزاری برای برآورده شدن خواسته‌های فردی است و اخلاق و آرمان‌های اجتماعی باید خود را با خواسته‌های فرد همراه کنند. چیرگی این گفتمان، موجب ظهور فرزندانی شده است که همه چیز را برای راحتی خود می‌خواهند و به آسایش و منفعت دیگران وقعی نمی‌نهند و به عبارتی در نظر آن‌ها، توجه به دیگران بی‌معنا می‌شود. در نتیجه نمی‌توان از آنان انتظار انفاق، صبر، گذشت و خیرخواهی داشت؛ چرا که سود و منفعت این افراد از همه چیز مهم‌تر است و آنان محبت به دیگران و از خودگذشتگی را تجربه نکرده‌اند، پس توجه‌شان به ارزش‌های اجتماعی کم می‌شود و سرانجام حتی به پدر و مادرشان نیز عنایت و توجهی نخواهند داشت.^۱

کاهش جمعیت

یکی از پایه‌های اصلی قدرتمندی هر خانواده، جمعیت آن است؛ چنانکه جمعیت، عامل قدرت جامعه نیز است. جمعیت اندک در روابط خارجی، قدرت مانور در مقابل دشمنان را کاهش خواهد داد. کشوری با جمعیت پیر و اندک، مورد طمع قدرت‌ها و مستکبرین خواهد بود؛ از این‌رو هر کشوری که از جوانان غیور و پرانرژی برخوردار است، دشمنان را از حمله نظامی باز می‌دارد. جمعیت جوان، مؤمن، اهل کار و خلاق می‌تواند با نیروی فکری و قوت بدنی خود گام‌های مؤثری در رشد و تعالی خود، خانواده و جامعه بردارد.^۲ بنابراین اگر فرزندآوری کاهش یابد، اقتدار کشورها - از جمله جمهوری اسلامی - نیز کاهش می‌یابد و ایران، یکی از پایه‌های قدرت خود را از دست می‌دهد. این، همان امری است که دشمنان آن را می‌خواهند؛ زیرا تحلیلگران غربی هراسناک، جمعیت جوان کشورهای اسلامی را تحلیل می‌کنند. در شرایط فعلی موازنه جمعیت جوان و تحصیل‌کرده جهان، به نفع کشورهای اسلامی رقم می‌خورد. این خطر بزرگی بر سر راه اهداف آن‌ها محسوب می‌شود. «ساموئل هانتینگتون» در بخشی از مصاحبه خود درباره تمدن اسلام و چین و چالش آن‌ها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون

۱. همان.

۲. سید حسین موسوی، «آثار و برکات فرزندآوری از دیدگاه عقل، شرع و علم»، روزنامه کیهان، شماره ۲۳۳۰۹،

مسلمانان گفته است: «تمدن اسلام، تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست؛ چرا که این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند»^۱.

فهرست منابع

۱. امام زین‌العابدین، علی بن‌الحسین علیه السلام، *الصحيفة السجادية*، چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۲. انتشارات طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳. انصاری، علیرضا، *سبک خانواده در قرآن*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷ ش.
۴. جواد شجاعی و بهجت یزدخواستی، «تجربه زیسته تک‌فرزندان از تک‌فرزندی: مطالعه دختران بالای ۱۸ سال»، *زن در توسعه و سیاست*، سال ۱۳۹۶، شماره چهارم، ص ۴۷۶ - ۴۴۷.
۵. صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی چاپ پنجم، قم: دفتر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر قرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۸. علیزاده، فاطمه و محمد مهدی کریمی نیا و مجتبی انصاری مقدم، «آسیب‌شناسی تک‌فرزندی در جامعه با نگاهی به دستورات اسلامی»، *مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، سال چهارم، شماره ۴۰، ۱۴۰۰، ص ۸۶ - ۷۶.
۹. فرجاد، محمدحسین، *آسیب‌شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق*، تهران: انتشارات منصوری، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از طلاب، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
۱۳. هروی، مرضیه و اسماعیل چراغانی کوتیانی و محسن هراتی، «تحلیل آسیب‌های تک‌فرزندی برای والدین با رویکرد دینی و روانشناختی»، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۸۲، ص ۱۸۲ - ۱۶۳.